مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، شمارهٔ چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۴

دکتر براتعلی خاکپور
دانشگاه فردوسی مشهد

بررسی وضعیت اقتصادی نواحی روستایی و تأثیر آن بر مهاجرتهای روستایی شهرستان شیروان

چکیده

بررسی وضعیت اقتصادی نقاط روستایی شهرستان شیروان، بیانگر که توزیع نامتعادل اراضی کشاورزی و درآمد بین خانوارهای روستایی است. پایین بودن متوسط اراضی هر خانوار باعث کاهش درآمد خانوارهای روستایی شده است؛ به گونه‌ای که میزان درآمد خانوارهای روستایی این شهرستان کمتر از درآمد خانوارهای روستایی کشور می باشد. در نتیجه میزان بالای مهاجرت جمعیت روستایی ریشه در مسائل اقتصادی دارد. همچنین نحوهٔ خدمات‌رسانی و چگونگی اجرای پروژه‌های مختلف خدماتی نیز باعث تشدید مهاجرت روستاییان می‌شود. میزان کمبود مسکن در نقاط روستایی در دههٔ گذشته، روند رو به کاهشی را نشان می دهد. رونق ساخت وساز واحدهای مسکونی از یک سو و مهاجرت جمعیت روستایی از سوی دیگر بر روند کاهشی میزان مسکن در این نقاط تأثیر گذاشته است.

درآمد:

بررسی‌های جمعیتی نشان می‌دهد که در گذشته نسبت بالایی از جمعیت کشور در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند و با گذشت زمان از نسبت جمعیت روستایی کاسته شده و بر نسبت جمعیت شهری افزوده شده است. این موضوع نشاندهندهٔ مهاجرت شدید جمعیت روستایی به سوی نقاط شهری است. در بیان علل مهاجرتهای روستایی صاحب نظران موارد متعددی ذکر شده است که از جملهٔ آنها می‌توان به علل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، فرهنگی، سیاسی، رفاهی و غیره اشاره کرد.

تا قبل از اصلاحات ارضی، مهمترین عامل مهاجرت در ایران عامل رکودی بوده است. بدین ترتیب که آزاد شدن بخشی از نیروی کار کشاورزی، تحت تأثیر عامل افزایش طبیعی جمعیت قرار داشت، اما مهاجرت

روستا به شهر در ایران پس از اصلاحات ارضی عمدتاً ناشی از عوامل تغییر دهنده بوده است. یعنی عواملی که موجب دگرگونی ساخت و تولید روستایی از یکسو و تشدید شکاف بین درآمد و در نتیجه بین سطح زندگی در شهر و روستا از سوی دیگر گردید(حسامیان ، ۱۳۶۲ : ۸۶).

از نظراقتصادی، مهاجرتها، اعمّ از داخلی و بین المللی، مکانیزمی بـرای بـاز توزیـع نیـروی کـار اسـت. ایـن نگرش با آراء و عقاید آدام اسمیت (۱۷۷۸) اقتصاد دان کلاسـیک و پیـروان وی شـکل گرفـت. وی مهـاجران کارگر را نیز تابع قانون عرضه و تقاضا می دانست و آن را نه تنها باعث رشـد اقتـصادی دو منطقـه مهاجرپـذیر و مهاجرفرسـت محـسوب مـی کـرد، بلکـه حتـی آن را وسـیله‌ای بـرای بهبـود وضـع کـار و اشـتغال بـه شـمار می آورد(زنجانی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

مهاجرتها علل مختلفی دارند واثرات و پیامدهای متعددی را نیز به دنبال دارند. در بررسی و تجزیه و تحلیـل مهاجرت در داخل نواحی یک کشور بایستی ارتباط بین مهاجرت و توزیـع درآمـد مـورد مطالعـه قـرار گیـرد. (Easterlin ، 1987:388). مطالعات انجام شده توسط کارشناسان سـازمان برنامـه و بودجـه اسـتان خراسـان در خصوص مهاجرتهای روستایی نشان می‌دهد که میان اجرای پـروژه‌هـای تولیـدی در نقـاط روسـتایی و مهـاجر فرستی روستاها رابطهٔ منفی وجود دارد (حسینیون، ۱۳۷۰). بیشتر مطالعات انجام شده در نقـاط روسـتایی یکـی از دلایل عمده و اصلی مهاجرت را مشکلات اقتصادی و کمبود درآمد این نقاط را نشان می‌دهد. مطالعات مزبور هم عوامل اقتـصادی جـذب در شـهر و هـم عوامـل اقتـصادی رانـش در روسـتا را مـورد تأکیـد قـرار داده‌انـد. (آقاجانیان، ۱۳۶۸: ۲۲۶).

ایجاد تعادل در جابجاییهای جمعیتی و تداوم حیات روستایی، مستلزم برنامه‌ریزیهای روستایی است، و این مهم نیز زمانی ممکن می‌شود که نسبت به وضع موجود نقاط روستایی شناخت لازم را داشته باشیم. به منظور رسیدن به چنین هدفی در این مقاله وضعیت اقتصادی و اجتماعی نقاط روستایی شهرستان شیروان مورد مطالعه قرار می گیرد.

یکی از مهمترین اقدامات اساسی برای برنامه‌ریزیهای اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی، شناخت وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنهاست. این شناخت هرچقدر عمیقتر، دقیقتر و کاملتر باشد، امکانات، ظرفیتها، مسائل و مشکلات نقاط روستایی بهتر شناخته شده و به همان نسبت نیز برنامه‌ریزیهای اقتصادی و اجتماعی بهتر تدوین خواهد شد. وضعیت اقتصادی هر کانون زیستی یکی از عوامل مهم جاذبه یا دافعه آن به شمار می رود.

هر چقدر وضعیت اقتصادی مردم یک روستا بهتر باشد ثبات آنها در محل سکونت خود پایدارتر بوده و برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و خدمات‌رسانی نیز با مشارکت بیشتر مردم روبرو خواهد شد و بالعکس. بر این اساس در این نوشتار بررسی وضعیت اقتصادی نواحی روستایی شهرستان شیروان به عنوان موضوع تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد.

نظریات مهاجرت:

در خصوص عوامل مؤثردرشکل گیری مهاجرت،دیدگاههای متفاوتی وجود دارد که در مجموع آنها را می‌توان به سه نوع دسته بندی نمود:

۱. نظریهٔ تفاوتها: این نظریه که به تئوری دفع و جذب و یا رانش و کشش نیز معروف است، مبنای حرکت و جابجایی و مهاجرت را روی اندیشهٔ توسعهٔ نا هماهنگ شهر و روستا و تضاد میان این دو بخش قرار می دهد، و معتقد است که به دلیل محدودیتهای روستایی از یک طرف و برتریهای شهری از سوی دیگر، مهاجرت و جابجایی نیروی انسانی شکل می گیرد و تا زمانی که این دو به توازن نرسند، این روند ادامه می‌یابد. «رانـدنیلی» و «لی» از معتقدان به این دیدگاه‌اند.

۲. نظریهٔ مهاجرت به علل رکوردی: این نظریه معتقد است که شرایط رکوردی،دوره ای از حیات اقتصادی جامعه است که به صورت افزایش تدریجی جمعیت روستا، در مقابل ثبات یا محدودیت مساحت زمینهای زیرکشت و حجم تولید و منابع روستایی تجلّی می‌یابد، لذا جمعیت مازاد بخش کشاورزی، که بر اثر زاد و ولد و عدم بازدهی کافی این بخش در روستا پدید می آید، برای تأمین معیشت و اشتغال به شهرها مهاجرت می کند.«آرتورلوئیس» و «فی-رانیس» به این دیدگاه معتقدند.

۳. نظریهٔ مهاجرت به علل تغییرات ساختی: بنابراین نظریه عوامل به وجود آورندهٔ مهاجرت، عوامل تغییر دهنده و دگرگون کننده هستند،بدین معنی که مثلاً با به کارگیری ماشین آلات و ادوات و فن‌آوری برتر در تولیدات کشاورزی روستایی، بخشی از جمعیت روستایی فعّال در این بخش آزاد خواهند شد، چنانچه زمینه‌های لازم در جهت اشتغال آنان در فعالیتها وصنایع جنبی کشاورزی و یا در بخش صنعت و خدمات روستایی ایجاد نشود،راهی جز مهاجرت برای آنان باقی نخواهد ماند. «مایکل تودارو» و جمعی دیگر به چنین دیدگاهی معتقدند(ابراهیم زاده، ۱۳۸۰ :۱۴۸- ۱۴۷).

اهداف تحقیق

وضعیت اقتصادی و اجتماعی نقاط روستایی از گذشته تا به امروز تغییر و تحوّلات زیادی پیدا کرده و منجر به حرکت نیروی انسانی و سرمایه از طرف نقاط روستایی به سمت مراکز شهری شده است. این روند تأثیرات گوناگونی را در توسعهٔ این دو کانون زیستی برجای می‌گذارد. در این تحقیق سعی شده است وضعیت نقاط روستایی شهرستان شیروان مورد مطالعه قرار گیرد. بدین ترتیب مهمترین اهداف این تحقیق عبارت‌انداز: بررسی وضعیت اقتصادی و میزان درآمد خانوارهای روستایی و بررسی وضعیت مهاجرت جمعیت روستایی شهرستان شیروان . نتایج این تحقیق می‌تواند مورد استفاده مدیران و تصمیم گیرندگان اجرایی در زمینهٔ برنامه‌ریزیهای اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد.

فرضیات تحقیق

به منظور بررسی وضعیت نقاط روستایی شهرستان‌شیروان فرضیه‌های زیر مطرح و مورد آزمون قرار می‌گیرد:

۱. توزیع اراضی کشاورزی و میزان درآمدهای خانوارهای روستایی شهرستان شیروان از روند عمومی توزیع اراضی و درآمد خانوارهای روستایی در سطح کشور تبعیّت نمی‌کند؛

۲. میان مهاجرت از نقاط روستایی و وضعیت درآمد ارتباط معکوس وجود دارد؛

۳. بین میزان خدمات‌رسانی و مهاجرفرستی از روستاها، رابطه‌ای معکوس وجود دارد.

روش تحقیق

به منظور بررسی وضعیت اقتصادی نواحی روستایی شهرستان شیروان، روش تحقیق توصیفی مورد استفاده شده و آمار و اطلاعات لازم به شیوه های زیر جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

الف) مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای: در این مرحله اطلاعات لازم پیرامون موضوع از منابع کتابخانه‌ای و اطلاعات آماری از منابع آماری مختلف برای روستاهای مورد مطالعه جمع آوری گردید.

ب) مطالعات میدانی: در این مرحله پرسشنامه‌ای تنظیم و به صورت نمونه‌گیری از ده درصد روستاهای بالای ۲۵ خانوار شهرستان و درهر روستا از ده درصد خانوارها (۱۴۶خانوار) تکمیل گردید. بدین منظور به

خانه‌های بهداشت مراجعه و براساس فهرست دفاتر خانه‌های بهداشت خانوارهای نمونه به شیوهٔ تصادفی انتخاب شده و سپس با مراجعه به منازل پرسشنامه ها تکمیل گردید.

پ) تجزیه و تحلیل اطلاعات: پس از جمع‌آوری آمار و اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی، با استفاده از مدلهای مختلف تحلیل آماری نسبت به تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده اقدام گردید.

بررسی وضعیت اقتصادی نقاط روستایی شهرستان شیروان در سال ۱۳۸۱

منطقهٔ مورد مطالعه

شهرستان شیروان از نظر موقعیت جغرافیایی بین ۵۷ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۷ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. این شهرستان در قسمت شمال شرقی استان خراسان شمالی قراردارد و از نظر جمعیتی دومین شهرستان این استان به شمار می رود. شهرستان شیروان در سال ۱۳۷۵ دارای ۱۴۲۴۳۱ تن جمعیت بوده که ۷۲۴۰۳ تن از آنان در ۲۰۱ نقطهٔ آبادی سکونت داشته‌اند، که از این تعداد ۱۳۱ نقطهٔ روستایی دارای ۲۵ خانوار و بالاتر بوده‌اند. روستاهای نمونه براساس توزیع نسبی، وضعیت طبیعی، نوع معیشت، طبقات جمعیتی و دوری و نزدیکی به شهر و تقسیمات دهستانی انتخاب گردیدند، که عبارت‌اند از: حلوا چشمه، حصار دوین (جلگه‌ای)، زیدر، سکه، (کوهستانی- جلگه ای)، تو کور، گو گلی، کلاته نظرمحمد، میلانلوی علیا، فجرآباد، اوغاز کهنه، هنامه، قلعه حسن و گلیان(کوهستانی).

توزیع اراضی کشاورزی بر اساس مالکیّت

مطالعات روستایی نشان می دهد که در نواحی ای که زمین به صورت عادلانه توزیع نشده است و تعداد بسیار کمی از مردم مالک بیشتر اراضی هستند، میزان برون کوچی (مهاجرت) افزایش می یابد (ابراهیم زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

جدول شماره۱ توزیع مالکیت اراضی در ایران را بر اساس وسعت اراضی پس از اصلاحات ارضی در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) نشان می دهد. با توجه به جدول مزبور طبقهٔ خرده مالک ایران حدود ۸۲٪ خانوارها را شامل می‌شده که حدود ۳۳٪ اراضی کشاورزی را در مالکیت خود داشته اند و وسعت اراضی حدود نیمی از آنان زیر دو هکتار بوده است. حدود ۱۶٪ خانوارها به عنوان مالکان متوسط به شمار رفته و ۳۹٪ اراضی کشاورزی را

در مالکیّت خود داشته‌اند و ۲٪ خانوارها نیز به عنوان بزرگ مالک بوده و ۲۸٪ اراضی کشاورزی را در اختیار خود داشته‌اند(Amid , 1990 : 106).

جدول شماره ۱– توزیع اراضی کشاورزی در ایران و شهرستان شیروان به تفکیک وسعت مالکیت

طبقه بندی وسعت اراضی به هکتار		ایران در سال۱۳۵۳ (۱۹۷۴)				شهرستان شیروان در سال ۱۳۸۱			
		اراضی کشاورزی		خانوارها		اراضی کشاورزی		خانوارها	
		درصد تجمعی	درصد	درصد تجمعی	درصد	درصد تجمعی	درصد	درصد تجمعی	درصد
خرده مالکی	<۲	۴	۴	۴۳	۴۳	۲/۷۹	۲/۷۹	۱۷	۱۷
	۲–۵	۱۵	۱۱	۶۵	۲۲	۱۹/۴۲	۱۶/۶۳	۴۸/۵	۳۱/۵
	۵–۱۰	۳۳	۱۸	۸۲	۱۷	۶۲/۳۲	۴۲/۹	۸۶/۲	۳۷/۷
مالکیت متوسط	۱۰–۲۰	۶۰	۲۷	۹۴	۱۲	۹۰/۶	۲۸/۳	۹۷/۷	۱۱/۵
	۲۰–۳۰	۷۲	۱۲	۹۸	۴	۹۵/۸۷	۵/۲۵	۹۹/۲	۱/۵
بزرگ مالکی	۳۰–۵۰	۷۹	۷	۹۹	۱	۱۰۰	۴/۱۳	۱۰۰	۰/۸
	>۵۰	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۱	۰	۰	۰	۰
جمع کل		–	۱۰۰	–	۱۰۰	–	۱۰۰	–	۱۰۰

منبع : Amid :1974,106 و مطالعات میدانی نگارنده

بررسی وضعیت توزیع زمین از نظر مالکیت در بین خانوارهای روستایی شهرستان شیروان نشان می‌دهد که توزیع زمین در شهرستان شیروان در مقایسه با کل کشور روند متعادلتری دارد. خرده مالکان روستایی شهرستان حدود ۸۶/۲٪ خانوارها را تشکیل می‌دهند و حدود ۴۲/۹٪ درصد اراضی کشاورزی را در مالکیت خود دارند، و وسعت اراضی حدود یک پنجم آنان زیر دو هکتار است. حدود۱۳٪ خانوارها به عنوان مالکان متوسط به شمار رفته و ۳۳/۵۵٪ اراضی کشاورزی را در مالکیت خود دارند و ۰/۸٪ خانوارها نیز به عنوان بزرگ مالک بوده و ۴/۱۳٪ اراضی کشاورزی را در اختیار خود دارند.

براساس نتایج به دست آمده سرانهٔ زمین کشاورزی در نقاط روستایی شهرستان شیروان حدود یک هکتار است، در صورتی که سرانهٔ زمین کشاورزی در نقاط روستایی برخی کشورهای آسیایی مانند: هند، چین و ژاپن به ترتیب در حدود ۰/۲۹ ، ۰/۲۰ و ۰/۰۷ هکتار می‌باشد. (Hodder, 2000: 68) .

از مجموع ۱۴۶ خانوار روستایی مورد مطالعه ۴۷ خانوار (۳۲/۲٪) دارای زمین کشاورزی آبی و ۱۱۳ خانوار (۷۷/۴٪) نیز دارای زمین کشاورزی دیمی و ۱۹ خانوار (۱۳٪) نیز فاقد زمین کشاورزی بوده‌اند. متوسط تعداد قطعات هر خانوار در زمینهای آبی ۲/۹ و در اراضی دیمی ۳/۳ قطعه بوده است. متوسط مساحت اراضی کشاورزی هر خانوار در زمینهای آبی ۱/۵ هکتار و در اراضی دیمی ۶ هکتار بوده است. اما متوسط اراضی کشاورزی آبی برای کل جامعهٔ مورد مطالعه ۰/۴۷ هکتار و متوسط اراضی دیمی ۴/۶ هکتار برای هر خانوار می‌باشد.

از نظر نوع مالکیت اراضی ۶۹/۹٪ از مساحت اراضی کشاورزی شخصی و ۳/۱٪ آن اجاره‌ای بوده است. از اراضی با مالکیت شخصی ۷۱٪ دیمی و ۲۹٪ آبی بوده است. اما از اراضی با مالکیت اجاره‌ای ۸۰٪ دیمی و ۲۰٪ آبی بوده است.

حدود ۵۹٪ خانوارهای مورد مطالعه دارای باغ و ۴۱٪ نیز فاقد باغ بوده‌اند. متوسط تعداد قطعات باغی خانوارها ۱/۷۶ قطعه و متوسط مساحت کل اراضی باغی هر خانوار ۱/۰۵ هکتار بوده است.

مسکن روستایی

مطالعات میدانی نشان می دهد که متوسط فضای مسکونی هر خانوار ۴۹۵ متر مربع بوده است. متوسط زیر بنای واحدهای مسکونی در منازل نوساز حدود ۸۵متر مربع و در منازل قدیمی ۹۴ متر مربع و متوسط تعداد اتاق هر واحد مسکونی حدود ۳/۶اتاق بود ه است. همچنین متوسط زیر بنای غیر مسکونی هر خانوار ۱۴۲ متر مربع بوده است.

از نظر مصالح ساختمانی ۲۳٪ واحدهای مسکونی از آجر و آهن ۱۲/۷٪ از آجر و تیر چوبی ۱۰/۸٪ از سنگ و چوب و ۵۳/۵٪ از خشت خام و چوب بوده است. بدین ترتیب ۲۳٪ واحدهای مسکونی روستائیان از مصالح ساختمانی مقاوم و ۷۷٪ نیز از مصالح نیمه مقاوم و غیر مقاوم بوده است. این مسأله آسیب‌پذیری واحدهای مسکونی را در برابر حوادث و بلایای طبیعی نظیر زلزله و سیل بیشتر می‌کند. به همین دلیل طی

سالهای اخیر شاهد رشد سریع ساخت مساکن بادوام در سطح نقاط روستایی شهرستان هستیم. زیرا «کیفیت مسکن از نظر تأثیری که بر سلامتی، ایمنی و شرایط مناسب زیست می گذارد، اثر مستقیم و قابل ملاحظه‌ای بر رفاه مردم دارد»(مخبر، ۱۳۶۳: ۱۳۷).

از نظر عمر ساختمانهای مسکونی ۲۸٪ آنها زیر ده سال، ۲۷/۶٪ ۱۱تا بیست سال، ۲۳/۷٪ ۲۱ تا ۳۰ سال، ۵/۳٪ ۳۱ تا ۴۰ سال و ۱۴/۵٪ نیز بیشتر از ۴۱ سال عمر داشته‌اند. از مجموع ساختمانهای زیر ده سال عمر، ۸۲٪ از مصالح مقاوم آهن و آجر و ۱۸٪ از مصالح نیمه مقاوم و غیر مقاوم بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت که نسبت بالایی از ساختمانهای مسکونی تازه ساخت از مصالح ساختمانی مقاوم استفاده کرده‌اند.

بر اساس آمار به دست آمده از مطالعات میدانی، حدود ۱۲/۳٪ روستائیان از وام مسکن استفاده کرده‌اند. از مجموع کسانی که واحدهای مسکونی جدید با مصالح ساختمانی مقاوم ساخته‌اند در حدود ۴۱/۵٪ از تسهیلات و اعتبارات بانکی استفاده کرده اند. میانگین وام هر خانوار ۸۹۱۶۰۰۰ ریال بوده و اقساط عموماً یکساله و متوسط اقساط وامها ۹۹۵۰۰۰ ریال بوده است. متوسط مدت بازپرداخت وامها ۱۳/۳ سال بوده است (بنیاد مسکن شهرستان، شیروان، ۱۳۸۱).

شهرستان شیروان در سال ۱۳۶۵ از نظر کمبود مسکن در نقاط روستایی شهرستانهای استان خراسان، با ۱۴/۰۹٪ کمبود مسکن در منطقه بندی پنج سطحی استان در منطقه ۳ واقع شده بود. (وثوقی ، ۱۳۷۷ :۱۵۷). در سال ۱۳۷۵ میزان کمبود مسکن در نقاط روستایی شهرستان شیروان ۱۰/۹۵٪ بوده است. رونق ساخت و ساز واحدهای مسکونی از یک سو و مهاجرت جمعیت روستایی از سوی دیگر بر روند کاهشی میزان کمبود مسکن در نقاط روستایی تأثیر گذاشته است.

امکانات واحدهای مسکونی

براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ در نقاط روستایی شهرستان ۷۰/۹۲٪ خانوارها از برق ، ۴۸/۶۳٪ از آب لوله کشی و ۵/۶۱٪ از حمام برخوردار بوده‌اند. در سال ۱۳۸۱ حدود ۸۱/۳٪ واحدهای مسکونی دارای برق ۲۵٪ دارای حمام، ۵۴/۲٪ دارای آشپزخانه ، ۱/۳٪ دارای کارگاه ۴۴/۵٪ دارای انبار وسایل و مواد غذایی، ۶۰٪ دارای انبار علوفه و ۷۱٪ دارای اصطبل بوده‌اند.

امکانات خانوارها

براساس نمونه‌گیری انجام شده، ۳۳٪ خانوارها دارای تلویزیون رنگی ، حدود ۶۰٪ دارای تلویزیون سیاه و سفید بوده و فقط ۷درصد خانوارها فاقد تلویزیون بوده‌اند. همچنین ۹ درصد دارای ویدئو CD و ۱۲٪ دارای ویدئو و ۶۴/۵٪ نیز دارای رادیو و ضبط بوده‌اند. حدود ۷۵٪ خانوارها دارای یخچال و ۷۴٪ نیز دارای اجاق گاز بوده‌اند.

اقتصاد روستایی شهرستان

۱. تولیدات زراعی

به طور کلی از نظر راندمان تولید، متوسط راندمان محصول گندم آبی در واحد سطح حدود ۱۷۵۰ کیلوگرم ، گندم دیم ۶۵۰ کیلو گرم ، جو آبی ۱۶۰۰ کیلوگرم و جو دیمی ۶۵۰ کیلو گرم در هکتار است. متوسط درآمد خالص در واحد سطح در گندم آبی حدود ۲/۳ برابر گندم دیمی بوده و این نسبت در مورد جو آبی حدود ۱/۸ برابر بوده است. متوسط درآمد نخود دیمی حدود چهار برابر عدس دیمی بوده است . دلیل کاهش درآمد عدس نسبت به نخود خشکسالی سالهای اخیر و عدم مقاومت عدس در برابر کم آبی است.

یکی از عواملی که باعث افزایش میزان محصول و درآمد روستائیان می‌شود، موضوع استفاده از کودهای شیمیایی است. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که در کشت گندم آبی حدود ۳۷٪ ، در کشت گندم دیمی حدود ۴۹٪ ،در کشت جو آبی حدود ۵۰٪ و در کشت جو دیمی حدود ۳۰٪ و در کشت عدس حدود ۱۲٪ کشاورزان از کود شیمیایی استفاده کرده‌اند. از جمله محصولات دیگری که در کشت آن از کود شیمیایی استفاده شده می‌توان از چغندر قند، خیار، گوجه فرنگی و سیب زمینی نام برد.

جدول شماره ۲–وضعیت کشت محصولات زراعی در روستاهای نمونه در سال زراعی ۸۱–۱۳۸۰

ردیف	نام محصولات	درصد خانوارهای کشت کننده	متوسط مساحت زیر کشت هر خانوار / هکتار	متوسط درآمد ناخالص هر خانوار به ریال	متوسط هزینه هر خانوار به ریال	متوسط درآمد خالص هر خانوار ریال	متوسط درآمد خالص در واحد سطح
۱	گندم آبی	۲۰	۱/۳۶	۴۸۰۰۰۰۰	۱۹۸۹۰۹۰	۲۸۱۰۹۰۰	۲۰۶۶۸۴۰
۲	گندم دیمی	۵۵	۴/۱۲	۵۸۶۵۷۵۰	۲۱۱۸۶۴۰	۳۷۴۷۱۱۰	۹۰۹۴۹۲
۳	جو آبی	۹/۶	۰/۸۵	۲۱۵۵۰۰۰	۱۴۶۴۰۰۰	۶۹۱۰۰۰	۸۶۳۰۳۰
۴	جو دیمی	۲۰	۲/۳۳	۲۵۳۷۶۶۰	۱۴۲۴۶۶۰	۱۱۱۳۰۰۰	۴۷۷۶۸۲
۵	عدس	۱۷	۲/۳۲	۲۱۱۲۳۰۰	۱۶۲۹۶۲۰	۴۸۲۶۸۰	۲۰۸۰۵۲
۶	نخود	۴	۲/۰۸	۲۳۸۸۳۰۰	۶۳۵۰۰۰	۱۷۵۳۳۰۰	۸۴۲۹۲۰
۷	یونجه	۸/۹	۰/۸۳	۱۲۳۰۷۷۰	۴۵۶۱۵۴	۷۷۴۶۱۶	۹۲۷۲۵۶

منبع: مطالعات میدانی، نگارنده

مطالعات میدانی نشان می‌دهداز بین کشاورزانی که گندم آبی کشت کرده‌اند حدود ۳۰٪ و از کشاورزانی که گندم دیمی کشت کرده‌اند حدود ۵۰٪ از سم استفاده کرده اند، از مجموع خانوارهایی که جو آبی کشت کرده‌اند حدود ۲۱٪ و از خانوارهایی که جو دیمی کشت کرده‌اند، حدود ۱۳٪ از سم استفاده کرده‌اند. در سایر محصولات کشاورزی نظیر چغندر قند و خیار نیز کشاورزان از سم استفاده کرده‌اند. کاهش استفاده از سم و کود شیمیایی باعث پایین آمدن درآمد خانوارهای روستایی شده است. رعایت نکردن تناوب زراعی نیز بر کاهش راندمان محصول تأثیر گذاشته است، به گونه‌ای که حدود ۶۰٪ خانوارها تناوب زراعی را رعایت نکرده‌اند.

۲. محصولات باغی

عمده‌ترین محصولات باغی که در روستاهای مورد مطالعه وجود دارند، عبارت‌انداز: انگور، زردآلو، سیب، گردو. جدول شماره ۳ وضعیت هر کدام از محصولات باغی را به تفکیک نشان می‌دهد. از جمله محصولات درختی دیگری که در روستاهای منطقه وجود دارد می‌توان از گیلاس، گلابی و آلبالو نام برد.

همچنین درختان دیگری نیز در باغات منطقه کشت می‌شود که از چوب آن استفاده مـی کننـد، نظیـر درخـت سپیدار که معمولاً در اطراف باغات کاشته می شود.

جدول شماره ۳- وضعیت کشت محصولات باغی در روستاهای نمونه در سال زراعی ۸۱-۱۳۸۰

ردیف	نام محصولات باغی	درصد خانوارهای کشت کننده	متوسط مساحت زیر کشت هر خانوار	متوسط درآمد ناخالص هر خانوار به ریال	متوسط هزینه هر خانوار به ریال	متوسط درآمد خالص هر خانوار ریال
۱	انگور	۳۵	۰/۸۷	۴۷۸۹۹۰۰	۱۶۷۸۹۷۷	۳۱۱۰۹۲۳
۲	سیب	۱۱/۶	۰/۴۱	۶۶۰۳۷۵۰	۱۷۲۸۶۶۶	۴۸۷۵۰۸۴
۳	زردآلو	۱۳	۰/۲۸	۱۳۵۰۸۳۳	۳۳۷۵۰۰	۱۰۱۳۳۳۳
۴	گردو	۱۹/۲	۰/۴	۲۲۱۵۲۳۸	۶۲۰۴۵۴	۱۵۹۴۷۸۴

منبع: مطالعات میدانی، نگارنده

۳. دامداری

از نظر اشتغال به فعالیّتهای دامداری حدود ۶۸٪ خانوارهای روستایی دام داشته‌اند، که متوسط دام بزرگ هر خانوار ۰/۷۵ رأس و متوسط دام کوچک هر خانوار ۲۳ رأس بوده است. حدود ۵۳٪ خانوارهای روستایی دارای گوسفند و بز و متوسط دام کوچک آنان به ۲۹/۱ رأس رسید و حدود ۲۲٪ خانوارهای روستایی دارای گاو و گوساله بوده و متوسط دام بزرگ آنان به حدود ۲/۲۵ رأس رسید.

در فعالیّتهای دامداری، متوسط درآمدهای ناخالص یک خانوار در حدود ۸۲۸۴۴۴۴ ریال و متوسط هزینه‌های آن در حدود ۴۶۴۵۵۰۵ ریال و در نتیجه درآمد خالص یک خانوار در حدود ۳۶۳۸۹۳۹ ریال بوده است. از نظر توزیع درآمدی حدود ۶۹٪ درآمدهای دامداری مربوط به بره، ۸/۸٪ مربوط به تولید کره و روغن، ۷/۷٪ مربوط به گوساله، ۱/ ۴٪ مربوط به بزغاله، ۱/۸٪ مربوط به تولید پشم و ۸/۴٪ نیز مربوط به تولید پنیر و سایر لبنیات بوده است. بدین ترتیب حدود ۸۱٪ درآمدهای دامداری مربوط به زاد و ولد و افزایش تعداد دامها و ۱۹٪ مربوط به انواع تولیدات دامی بوده است.

از کل هزینه‌های دامداری حدود ۴۴٪ مربوط به مصرف جو، ۲۳٪ مربوط به مصرف کاه، حدود ۱۸٪ هزینهٔ چوپانی، حدود ۱۲٪ مربوط به مصرف تفاله و سایر مواد مصرفی نظیر سبوس و غیره و ۲/۸٪ نیز مربوط به خرید سم و دارو برای دامها بوده است.

٤. صنایع دستی

از مجموع خانوارهای مورد مطالعه حدود ۱۲٪ به قالیبافی مشغول بوده و هر خانوار به طور متوسط ۱ /۱ دار قالی داشته است. قالیهای بافته شده عموماً طرح نائین اصفهان بوده و از نظر ابعاد حدود ۵۶٪ قالیهای بافته شده ۳*۲ و ۴۴٪ آنها ۳*۴ بوده‌اند. با توجه به این‌که عمده قالیهای بافته شده توسط خانوارهای مورد مطالعه از نوع درشت بافت می‌باشد، لذا متوسط درآمد ناخالص خانوارهای قالیباف در حدود ۳۸۳۳۰۰۰ ریال و متوسط هزینه‌های قالیبافی هر خانوار ۱۵۷۲۰۰۰ ریال و در نتیجه متوسط درآمد خالص هر خانوار قالیباف درحدود ۲۲۶۱۰۰۰ ریال در سال می‌باشد.

از نظر مالکیت دارهای قالی حدود ۸۲٪ دارهای قالی مربوط به واسطه‌ها (امانتی یا اجاره‌ای) و ۲۸٪ آنها نیز مربوط به بافندگان قالی بوده است. از نظر تأمین مواد اولیه حدود ۴۴٪ خانوارهای قالیباف، مواد اولیه مورد نیاز را از واسطه‌ها و دلاّلهای شهری حدود ۲۲٪ از استادکاران، حدود ۱۷٪ از شرکت تعاونی فرش و ۱۷٪ خانوارها نیز مواد اولیه را خودشان از بازار شهر شیروان تهیه می‌کنند. از نظر فروش قالیهای بافته شده حدود ۴۴٪ خانوارها قالیهای خود را به صاحبان دارهای قالی، حدود ۱۷٪ در بازار شهر شیروان و حدود ۳۹٪ نیز در بازار های سایر شهرها به فروش می‌رسانند.

۵. صنایع کارگاهی

از مجموع خانوارهای روستایی ۱/۳۷٪ دارای صنایع کارگاهی بوده، که متوسط درآمد ناخالص این خانوارها در حدود ۲۲۹۴۰۰۰۰ ریال در سال، متوسط هزینه‌های تولیدی آنان ۸۴۰۰۰۰۰ریال و در نتیجه متوسط درآمد خالص آنان ۱۴۵۴۰۰۰۰ ریال در سال بوده است.

٦. ماشین آلات

از نظر انواع ماشین آلات حدود ۱۳٪ خانوارها دارای تراکتور، ۲٪ دارای مینی بوس، ۱/۴٪ دارای کامیونت، ۱/۴٪ دارای خودرو سواری و ۱۶/۴٪ نیز دارای موتور سیکلت بوده‌اند. به بیانی دیگر حدود ۱۵٪ خانوارها به غیر از موتور سیکلت دارای یکی از ماشین آلات فوق و ۱/۴٪ خانوارها دارای دو نوع از ماشین آلات بالا بوده‌اند. از خانوارهایی که دارای تراکتور بوده‌اند، حدود ۸۲٪ علاوه بر کارهای شخصی خود برای دیگران نیز کار می‌کنند، که متوسط درآمد خالص آنان در سال در حدود ۷۰۰۰۰۰۰ ریال بوده است.

متوسط درآمدهای ناخالص هر خانوار از ماشین آلات (غیر از موتور سیکلت) در طول سال ۱۰۱۶۵۲۱۷ ریال، متوسط هزینهٔ تعمیر و نگهداری ماشین آلات ۲۶۱۰۸۷۰ ریال و در نتیجه متوسط درآمد خالص هر خانوار دارندهٔ ماشین آلات مختلف در حدود ۷۵۵۴۳۴۷ ریال بوده است.

۷. سایر منابع درآمدی

از مجموع خانوارهای روستایی حدود ۲۲٪ از سایر منابع درآمدی امرار معاش می‌کرده‌اند. از مجموع این افراد حدود ۵۰ ٪ از طریق کارگری، حدود ۱۲/۵٪ از طریق بنایی، حدود ۹٪ از طریق مغازه داری، ۹/۴٪ از طریق اداری (مخابرات، خانه بهداشت) و ۱۸/۷٪ دیگر نیز از طریق چوبداری، چوپانی، رانندگی و ... درآمد داشته‌اند. متوسط درآمد خانوارهای مزبور در سایر منابع درآمدی در طول سال ۱۳۸۱در حدود ۴۹۸۵۹۳۷ ریال می‌باشد.

میزان درآمدها و هزینه‌های تولیدی روستائیان

جدول شماره ۳ وضعیت درآمدها و هزینه‌های خانوارهای روستایی را به تفکیک نوع فعالیت نشان می‌دهد. بر اساس آمارهای به دست آمده میانگین درآمد ناخالص یک خانوار روستایی ۵۸۲۶۰۳۱۶ ریال ، میانگین هزینه‌های تولید یک خانوار روستایی ۷۸۷۲۱۶۴ ریال، و در نتیجه میانگین درآمد خالص یک خانوار روستایی ۴۰۴۱۳۱۱۰ ریال بوده است.بر اساس نمونه‌گیری انجام شده از درآمد و هزینهٔ خانوارهای روستایی در سال ۱۳۸۱ متوسط درآمد سالیانهٔ یک خانوار روستایی در کل کشور، حدود ۶۱۰۰۰۲۱۹ ریال بوده است (سازمان‌مدیریت و برنامه‌ریزی: ۱۳۸۱)، که در مقایسه با متوسط درآمد سالیانه یک خانوار روستایی شهرستان شیروان حدود ۱/۵ برابر می‌باشد.

از مجموع درآمدهای یک خانوار، حدود ۲۸/۸٪ از فعالیتهای زراعی ، ۱۸/۸٪ از فعالیتهای باغداری ، ۲۴/۴٪ از فعالیتهای دامداری ، ۳/۵٪ از صنایع دستی ، ۲ ٪ از صنایع کارگاهی ، ۱۱/۷٪ از ماشین آلات مختلف و در حدود ۱۰/۸٪ نیز از طریق سایر منابع درآمدی به دست آمده است. در نتیجه بخش کشاورزی حدود ۷۲٪ درآمد خانوارهای روستایی را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۴. توزیع درآمد و هزینه‌های خانوارهای روستایی به تفکیک نوع فعالیت

فعالیت‌های مختلف اقتصادی	درآمدها و هزینه‌ها به ریال	تعداد خانوارهای شاغل در هر فعالیت	جمع کل درآمد	میانگین درآمد خانوارهای شاغل در هر فعالیت	میانگین درآمد کل خانوارهای نمونه
کشاورزی (زارعت)	درآمد ناخالص	۱۱۸	۶۸۵۱۰۷۵۰۰	۵۸۰۵۹۹۵	۴۶۹۲۵۱۷
	درآمد خالص	۱۱۸	۴۲۶۴۹۹۵۰۰	۳۶۱۴۴۰۲	۲۹۲۱۲۳۰
باغداری	درآمد ناخالص	۷۳	۳۹۱۶۲۵۵۰۰	۵۳۶۴۷۳۲	۲۶۸۲۳۶۶
	درآمد خالص	۷۳	۲۷۸۳۵۰۵۰۰	۳۸۱۳۰۲۰	۱۹۰۶۵۱۰
دامداری	درآمد ناخالص	۹۹	۸۲۰۱۶۰۰۰۰	۸۲۸۴۴۴۴	۵۶۱۷۵۳۴
	درآمد خالص	۹۹	۳۶۰۲۵۵۰۰	۳۶۳۸۹۳۹	۲۴۶۷۵۰۰
صنایع دستی	درآمد ناخالص	۲۰	۸۸۰۰۰۰۰	۴۴۰۰۰۰۰	۶۰۲۷۴۰
	درآمد خالص	۲۰	۵۱۷۰۰۰۰۰	۲۵۸۵۰۰۰	۳۵۴۱۱۰
صنایع کارگاهی	درآمد ناخالص	۲	۴۵۸۸۰۰۰۰	۲۲۹۴۰۰۰۰	۳۱۴۲۴۷
	درآمد خالص	۲	۲۹۰۸۰۰۰۰	۱۴۵۴۰۰۰۰	۱۹۹۱۷۹
ماشین آلات	درآمد ناخالص	۲۳	۲۳۳۸۰۰۰۰۰	۱۰۱۶۵۲۱۷	۱۶۰۱۳۷۰
	درآمد خالص	۲۳	۱۷۳۷۵۰۰۰۰	۷۵۵۴۳۴۷	۱۱۹۰۰۶۹
سایر منابع درآمدی	درآمد ناخالص	۳۲	۱۵۹۵۵۰۰۰۰	۴۹۸۵۹۳۷	۱۰۹۲۸۰۸
	درآمد خالص	۳۲	۱۵۹۵۵۰۰۰۰	۴۹۸۵۹۳۷	۱۰۹۲۸۰۶
کل	درآمد ناخالص	۱۴۶	۲۴۲۴۱۲۳۰۰۰	۱۶۶۰۳۵۸۲	۱۶۶۰۳۵۸۲
	درآمد خالص	۱۴۶	۱۴۷۹۱۸۵۰۰۰۰	۱۰۱۳۱۴۰۴	۱۰۱۳۱۴۰۴

منبع: مطالعات میدانی، نگارنده

بررسی توزیع خانوارها به تفکیک گروههای درآمدی و مناطق نشان می‌دهد که در نقاط روستایی شهرستان شیروان متوسط درآمد سالیانه حدود ۶۵/۳۱٪ خانوارها زیر ۹۰۰۰۰۰۰ ریال بوده و این نسبت برای کل کشور ۴۰٪ بوده است. همچنین حدود ۲۲/۴۴٪ خانوارهای روستایی این شهرستان ۹۰۰۰۰۰۱ تا ۱۹۵۰۰۰۰۰ ریال درآمد داشته‌اند ، که این نسبت برای کل کشور ۳۶/۶۷٪ بوده است. حدود ۱۰/۲٪ خانوارهای روستایی شهرستان بین ۱۹۵۰۰۰۰۱ تا ۴۵۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد داشته‌اند، که این نسبت برای کل کشور ۲۰/۲۷٪ بوده است. این نسبت ها در گروه درآمدی بیش از ۴۵۰۰۰۰۰۱ ریال نیز به ترتیب ۲/۰۴٪ و ۳/۰۵٪ بوده است.

جدول شماره ۵. توزیع نسبی درآمدها بین خانوارهای روستایی به تفکیک گروههای درآمدی و مناطق

مناطق / گروههای درآمدی	کل کشور (درصد)	شهرستان شیروان (درصد)
زیر ۵۰۰۰۰۰۰ ریال	۱۸/۳۵	۳۴/۰۱
۵۰۰۰۰۰۱ — ۷۲۰۰۰۰۰	۱۲/۴۷	۱۴/۹۷
۷۲۰۰۰۰۱ – ۹۰۰۰۰۰۰	۹/۱۹	۱۶/۳۳
۹۰۰۰۰۰۱ – ۱۲۰۰۰۰۰۰	۱۳/۶۵	۱۰/۲۰
۱۲۰۰۰۰۰۱ – ۱۶۵۰۰۰۰۰	۱۵/۱۳	۹/۵۲
۱۶۵۰۰۰۰۱ – ۱۹۵۰۰۰۰۰	۷/۸۹	۲/۷۲
۱۹۵۰۰۰۰۱ – ۲۴۰۰۰۰۰۰	۷/۹۷	۳/۴
۲۴۰۰۰۰۰۱ – ۳۰۰۰۰۰۰۰	۶/۳۶	۳/۴
۳۰۰۰۰۰۰۱ – ۴۵۰۰۰۰۰۰	۵/۹۴	۳/۴
۴۵۰۰۰۰۰۱ ریال و بالاتر	۳/۰۵	۲/۰۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰

منبع : سازمان مدیریت و برنامه ریزی ، سال ۱۳۸۱ و مطالعات میدانی

از نظر توزیع نسبی درآمد بین گروههای ده درصدی خانوارها در نقاط روستایی شهرستان شیروان ، ۱۰٪ اول خانوارها حدود ۱/۳۸٪ درآمدها و ۱۰٪ آخر خانوارها نیز حدود ۳۸/۱۱٪ درآمدها را به خود اختصاص

داده‌اند. بررسی توزیع درآمد بین گروههای ده درصدی خانوارهای روستایی کل کشور نشان می‌دهد که ۱۰٪ اول خانوارهای روستایی در حدود۱/۳۳٪ درآمدها را داشته و ۱۰٪ آخر خانوارها نیز ۳۱/۴۸٪ درآمدها را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۶. توزیع نسبی درآمدها بین گروههای ده درصدی خانوارهای روستایی

مناطق / گروههای ده درصدی خانوارها	کل کشور		شهرستان شیروان	
	درصد درآمد	درصد تجمعی	درصد درآمد	درصد تجمعی
ده درصد اول خانوارها	۱/۳۳	۱/۳۳	۱/۳۸	۱/۳۸
ده درصد دوم	۲/۹۴	۴/۲۷	۲/۸۳	۴/۲۱
ده درصد سوم	۴/۲۰	۸/۴۷	۳/۶۸	۷/۸۹
ده درصد چهارم	۵/۴۱	۱۳/۸۸	۴/۹۴	۱۲/۸۳
ده درصد پنجم	۶/۷۳	۲۰/۶۱	۵/۷۱	۱۸/۵۴
ده درصد ششم	۸/۳۰	۲۸/۹۱	۷/۷۸	۲۶/۳۲
ده درصد هفتم	۱۰/۲۲	۳۹/۱۳	۸/۳۹	۳۴/۷۱
ده درصد هشتم	۱۲/۷۱	۵۱/۸۴	۱۱/۴	۴۶/۱۱
ده درصد نهم	۱۶/۶۸	۶۸/۵۲	۱۵/۶۸	۶۱/۸۹
ده درصد آخر	۳۱/۴۸	۱۰۰	۳۸/۱۱	۱۰۰

منبع: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، سال ۱۳۸۱ و مطالعات میدانی، نگارنده

روند تغییرات درآمد بین خانوارهای روستایی شهرستان و کل کشور نشان می‌دهد که تا دهک هفتم، افزایش درآمد بین گروههای ده درصدی خانوارها چندان زیاد نبوده و با یک نظم متعادلی رو به افزایش بوده‌است، و در نتیجه ۷۰٪ خانوارها در شهرستان حدود ۳۴/۱۷٪درآمدها و در کل کشور حدود ۳۹/۱۳٪ درآمدها را داشته‌اند. اما شکاف درآمدی از دهک هشتم به بعد افزایش یافته است، به ویژه این شکاف بین

دهک آخر با سایر گروههای ده درصدی خانوارها به اوج خود می‌رسد.بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که توزیع درآمد در نقاط روستایی شهرستان نامتعادلتر از نقاط روستایی کل کشور می‌باشد.

درآمد سرانهٔ روستائیان

بررسی‌های میدانی نشانی می‌دهد که میزان درآمد ناخالص سرانهٔ جمعیت روستایی شهرستان شیروان در سال ۱۳۸۱ در حدود ۳۸۰ دلار بوده و در ردهٔ درآمدی کشورهای با درآمد پایین قرار دارد. در سال ۱۳۷۶ شمسی میزان درآمد ناخالص ملی سرانه(GNP Per Capita) برای کل جهان ۵۱۳۰ دلار و در گروه کشورهای با درآمد پایین ۳۵۰ دلار در سال بوده است. (Hodder , 2000: 8).

مهاجرتهای روستایی

الف) علت مهاجرتهای روستایی

مهمترین عوامل و انگیزه‌هایی که باعث مهاجرت روستائیان در ایران می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. علاقهٔ طبیعی به حفظ بقاء از طریق مهاجرت به شهرها برای به دست آوردن شغلی سودآور و درآمدزا جهت زندگی بهتر.

۲. نگهداری خود و خانواده از بلایای طبیعی و بیماریها و اثرات سوء ناشی از فقر و نداشتن امکانات لازم زندگی و برخورداری از امکانات رفاهی، بهداشتی و زندگی بهتر در شهرها.

۳. اختلاف سطح در آمد و فاصلهٔ اقتصادی بین خانوارهای شهری و روستایی و پیدایش پدیدهٔ مهاجرت روستا به شهر جهت برقراری نوعی توازن.

۴. آشنایی روستائیان و عشایر با مظاهر پیشرفت فرهنگی و اقتصادی بشر، که این مظاهر عمدتاً در شهرها به چشم می خورد و روستائیان عمدتاً از آن بی بهره مانده‌اند.

۵. وجود مشکلات عدیده و مستمر در بخش تولیدات روستایی، همچون محدودیت اراضی و تقطیع آنها بر اثر ارث و غیره، و محدودیت منابع آب و افزایش روز افزون هزینه‌های زراعی و دامی (مستوفی‌الممالک، ۱۳۷۶: ۸۵-۸۲)

براساس نتایج سرشماریها نسبت مهاجرین روستا به شهر طی دو دههٔ گذشته با یک روند افزایشی به ترتیب ۴۸/۱ و ۴۹/۸ درصد بوده است.یعنی همواره حدود نیمی از مهاجرین این شهرستان را مهاجرین نقاط روستایی به شهر شیروان تشکیل داده است.(خاکپور، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

بر اساس مطالعات میدانی در شهرستان شیروان از نظر علت مهاجرتهای روستایی، حدود ۳۷/۷٪ افراد با توجه به مشکلات اقتصادی و در جستجوی شغل آزاد به نقاط شهری مهاجرت کرده‌اند، حدود ۳۴/۹٪ افراد به دلیل ازدواج و یا به تبعیت از همسر، ۱۱/۳٪ افراد به منظور ادامهٔ تحصیل و ۱۰/۴ ٪ افراد به دنبال استخدامهای دولتی و ۵/۶٪ افراد نیز به‌دلایل دیگر به شهرها مهاجرت کرده‌اند.

محاسبات ضریب همبستگی نشان می دهد که بین میزان مهاجرفرستی و سطح برخورداری از خدمات رابطهٔ مثبتی در حدود ۰/۵۱۵ وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد که هر چه سطح برخورداری روستاها از خدمات بیشتر شده، میزان مهاجرت روستائیان نیز افزایش یافته است . در نتیجه علی‌رغم سرمایه‌گذاریهای زیادی که به منظور جلوگیری از مهاجرتهای روستاییان انجام گرفته است، ما شاهد مهاجرت بیشتر آنان به طرف نقاط شهری هستیم. بین میزان مهاجر فرستی و فاصله از شهر ضریب همبستگی معکوس در حدود ۰/۴۵۵− وجود دارد . بدین ترتیب با افزایش فاصله روستاها از شهر از شدت مهاجرتهای روستایی کاسته شده و با کاهش آن بر شدت مهاجرتهای روستایی افزوده شده است . اما بین میزان مهاجر فرستی و متوسط درآمد خانوارهای روستایی ضریب همبستگی معکوس و ضعیفی در حدود ۰/۱۱۶ ـوجود دارد که معنی‌دار نیست.

ب) خصوصیات جمعیتی مهاجرین روستایی

مطالعات میدانی نشان می‌دهد که حدود ۱۲٪ از اعضاء خانوارهای نمونه به شهرها مهاجرت کرده‌اند، که ۶۳/۴٪ مرد و ۳۶/۶٪ زن بوده‌اند. به عبارتی نسبت جنسی بین مهاجرین ۱۷۳/۲ بوده، در حالی‌که نسبت جنسی در بین جمعیت روستایی ۹۲/۶ می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که نسبت بالایی از مهاجرین را مردان تشکیل می‌دهند.

از کل جمعیت روستایی حدود ۲۸/۹٪ بی‌سواد بوده و ۳۳/۵٪ در سطح ابتدایی، ۲۴/۹٪ در سطح راهنمایی، ۱۱/۶٪ در سطح دبیرستان و دیپلم و ۱/۱٪ در سطوح عالی سواد داشته‌اند. در حالیکه در بین جمعیت مهاجر روستایی حدود ۷/۲٪ بی‌سواد، ۲۶/۸٪ در سطح ابتدائی، ۳۵/۷٪ در سطح راهنمایی ، ۲۱/۴٪ در سطح دبیرستان

و دیپلم و ۸/۹٪ در سطوح عالی بوده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که با افزایش میزان سواد، گرایش افراد به مهاجرت به سوی شهرها بیشتر شده است. در نتیجه می‌توان گفت که بین خدمات آموزشی یا میزان سواد و میزان مهاجرت ضریب همبستگی مثبتی وجود دارد.

پ) مقصد مهاجرین روستایی

از نظر مقصد مهاجرین حدود ۳۷/۷٪ به تهران، ۳۲/۱٪ به شهر شیروان، ۱۱/۳٪ به شهر مشهد و ۱۸/۹٪ نیز به سایر شهرها مهاجرت کرده‌اند. هر چند شهر شیروان نسبت بالایی از مهاجرین نقاط روستایی شهرستان را به سمت خود جذب کرده ، اما در مقایسه با تهران در مرتبهٔ دوم قرار دارد.

نتیجه گیری و آزمون فرضیات:

افزایش جمعیت و موضوع تقسیم ارث، باعث پراکندگی و کاهش متوسط اراضی کشاورزی خانوارهای روستایی شده است و این موضوع باعث شده که هزینهٔ بهره‌برداریهای کشاورزی افزایش یابد و در نتیجه میزان درآمد حاصله جوابگوی تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی خانوارها نیست. کمبود منابع آب کشاورزی، عدم استفاده از نهاده‌های کشاورزی و عدم رعایت تناوب زراعی باعث کاهش راندمان محصول و پایین آمدن درآمد روستاییان شده است. لذا به منظور کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدها و محرومیت زدایی از منطقه بایستی برنامه‌ریزی لازم صورت گیرد، که یکپارچه سازی اراضی کشاورزی یکی از راهکارها در این زمینه به شمار می رود. این موضوع باعث صرفه جویی در هزینه های کشاورزی و کاهش اتلاف آب مورد نیاز کشاورزی شده و در نتیجه باعث بالا رفتن درآمدهای روستائیان خواهد شد.با توجه به این‌که یکپارچه‌سازی اراضی باعث افزایش بیکاری و تشدید مهاجرت خواهد شد، لذا بایستی به موازات آن اقداماتی برای ایجاد اشتغال در نقاط روستایی صورت بگیرد.

با توجه به این‌که باغداری در شیروان هزینه بر است ، لذا یکی از راهکارهای لازم به منظور بالا بردن میزان درآمد باغداران تغییر نوع واریتهٔ انگور می باشد. بدین منظور پیشنهاد می‌شود در باغات منطقه نوعی از محصول انگور کشت شود که اولاً نیاز آبی کمتری داشته باشد و ثانیاً در برابر سرما مقاوم بوده و نیاز به دفن‌کردن درخاک نداشته باشد. همچنین می‌توان با گسترش محصولات باغی از جمله سیب، که به عنوان مادهٔ اولیهٔ

مصرفی کارخانهٔ شهد خراسان به شمار می‌رود، از یک طرف نیازهای محلی کارخانه را تأمین کرد و ازطرف دیگر باعث افزایش درآمد باغداران گردید.

نتایج به دست آمده نشان می دهد که توزیع زمین بین خانوارهای روستایی شهرستان شیروان در مقایسه با کشور متعادلتر بوده، اما با توجه به این که متوسط اراضی کشاورزی آبی و دیمی هر خانوار بسیار پایین می باشد، این موضوع باعث شده متوسط که درآمد یک خانوار روستایی شهرستان کمتر از متوسط درآمد یک خانوار روستایی در سطح کشور باشد. وضعیت توزیع درآمد سالانه بین خانوارهای روستایی شهرستان شیروان در مقایسه با کل کشور نامتعادل است و شکاف درآمدی بین خانوارهای روستایی شهرستان شیروان بیش از کشور بوده ، و این امر حاکی از فقر و محرومیت جمعیت روستایی این شهرستان می‌باشد. در نتیجه فرضیهٔ شماره یک که عدم تبعیت توزیع اراضی کشاورزی و درآمد خانوارهای روستایی شهرستان شیروان از روند عمومی توزیع اراضی کشاورزی و درآمد خانوارهای روستایی کشور را بیان می کند، تأیید می‌شود.

علل مهاجرت نسبت بالایی از جمعیت مهاجر روستایی ریشه در مسائل اقتصادی دارد، به گونه‌ای که بیش از ۴۵٪ افراد در جستجوی کار بهتر و درآمد بالاتر از نقاط روستایی به شهرها مهاجرت کرده‌اند. ضریب همبستگی بین مهاجرت و میزان درآمد افراد نیز رابطهٔ مثبت و ضعیفی را نشان می‌دهد، بر این اساس فرضیهٔ شماره دو نیز تأیید می‌شود. اجرای طرحها و پروژه های مختلف عمرانی و تولیدی که زمینهٔ افزایش درآمدهای جمعیت روستایی را فراهم آورده و موجب کاهش شکاف عمیق درآمدی بین شهر و روستا شود، از راهکارهای اصلی و اساسی در زمینهٔ کاهش مهاجرتهای روستایی به شمار می‌رود.

نسبت بالایی از مهاجرین سطح سواد بالاتری داشته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که بین خدمات آموزشی و سطح سواد با میزان مهاجرت ارتباط مستقیم ومثبت وجود دارد. بررسی ضریب همبستگی بین مهاجرت و سطح خدمات نقاط روستایی رابطهٔ مثبت و قوی بین این دو را نشان می‌دهد، بدین معنی که هر چقدر سطح خدمات بیشتر شده، میزان مهاجرت از نقاط روستایی افزلیش یافته است. بر این اساس فرضیهٔ شماره سه تأیید نمی‌شود.

در نتیجه می‌توان گفت که سرمایه گذاریهای خدماتی در نقاط روستایی باعث تشدید مهاجرت و سرمایه‌گذاریهای تولیدی باعث تضعیف آن شده است. در واقع با افزایش سطح خدمات عملاً سبد هزینهٔ خانوار بالا رفته و عدم تعادلی بین درآمد و هزینه های خانوار ایجاد می‌شود که آنان را در جستجوی درآمد

بیشتر به سمت شهرها می‌کشاند. در نتیجه پیشنهاد می‌شود که خدمات‌رسانی به نقاط روستایی بایستی همراه سرمایه‌گذاریهای تولیدی در این مناطق صورت گیرد، تا این‌که به موازات افزایش هزینهٔ خانوارها درآمد آنان نیز افزایش یافته و تعادلی در این زمینه ایجاد گردد و مانع از مهاجرت آنان به سایر نقاط شود.



منابع و مآخذ

۱. آقاجانیان. اکبر، ۱۳۶۸، *عمران روستایی و تأثیر آن بر کاهش مهاجرت از روستا به شهر*، مجموعه مقالات نظریات مهاجرت، گردآورنده دکتر عبدالعلی لهسائی زاده، انتشارات نوید شیراز.

۲. ابراهیم زاده. عیسی، ۱۳۸۰، مهاجرتهای *روستایی و علل و پیامدهای آن، نمونه:استان سیستان و بلوچستان*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۶۰.

۳. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان شیروان، *گزارش عملکرد سالانه*، ۱۳۸۱.

۴. حسامیان. فرخ و دیگران، ۱۳۶۲، *شهر نشینی در ایران* ، انتشارات آگاه.

۵. حسینیون. ابوالقاسم و دیگران، ۱۳۷۰، *بررسی میزان مهاجرتهای روستایی در دهستانهای استان خراسان*، سازمان برنامه‌و بودجه استان خراسان.

۶. خاکپور. براتعلی، ۱۳۸۳، *بررسی تحولات جمعیتی به منظور برنامه ریزیهای اقتصادی و اجتماعی*، نمونه شهرستان شیروان، مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، شماره دوم.

۷. زنجانی زاده. حبیب الله، ۱۳۸۰، *مهاجرت*، انتشارات سمت.

۸. سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۱، *آمار گیری درآمد و هزینه خانوارهای روستایی*.

۹. مخبر. عباس، ۱۳۶۳، *ابعاد اجتماعی مسکن*، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.

۱۰. مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، *شناسنامه آبادیهای دهستانهای کشور*، شهرستان شیروان.

۱۱.مستوفی الممالک. رضا، *تحلیل بر مهاجرتهای داخلی و عواقب اقتصادی-اجتماعی آن در کشور*، فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی، بهار ۱۳۷۶، شماره ۴۴.

۱۲. وثوقی. فاطمه، ۱۳۷۷، *مسکن در خراسان*، انتشارات آستان قدس رضوی.

13. Amid. Mohammad Javad, 1990, *Agriculture, Poverty and Reform in Iran, published by Routledge* , london.

14. Easterlin Richard A, 1987, *Population and Economic Change in developing Countries*, University of Chicogo Press, united States America.

15. Hodder. Rupert, 2000, *Development Geography*, Routledge, London.